**با قرآن در صحنه/ کاوشی در تفسیر پرتوی از قرآن**

**دین پرست، منوچهر**

پرتوی از قرآن عنوان تفسیر چند جزء از قرآن اثر مرحوم آیت اللّه سید محمود طالقانی‏ (1286-1358)است.این اثر ارزشمند را به حق‏ می‏توان تبلوری از اندیشه پویا،علم و ایمان والای‏ ایشان دانست.وی پرتوی از قرآن را با همان‏ صداقت و صفا،ذوق سلیم که در شخصیت و زندگی‏ اجتماعی ایشان سراغ داریم به نحوی شایسته‏ بررسی و تبیین کرده است.استقبال محققان و دانش‏پژوهان و قرآن‏شناسان و حتی عامه مردم از این اثر گرانقدر،ذوق و مهارت کم‏نظیر نویسنده را حکایت می‏کند،لذا در این مبحث جستاری به این‏ اثر گرانقدر داریم.

1-انگیزه تفسیر:

آیت اللّه طالقانی در دوران تحصیل‏ در قم بدین نتیجه رسیده بود که منشأ تعصب مذهبی که‏ در اثر برخورد با تمدن غربی و عدم پویایی اندیشه اسلامی‏ باعث انحطاط مسلمانان و رکود چند صد ساله مسلمانان‏ شده،چیزه نبود جز بی‏توجهی به قرآن به عنوان کتاب‏ راهنمای عمل در همه شئون زندگی.ایشان به واسطه‏ زندگی سیاسی و اجتماعی خاص خود،از مدت‏ها پیش‏ درد جامعه و مردم را حس کرده بود،داروی این درد جانسوز را یافته و تنها راه نجات مسلمین را دوری از جمود فکری و بهره‏مندی از اندیشه‏ای آزاد و پویا و راه نجات را بازگشت به اسلام ناب محمدی و قرآن می‏دانست.لذا پس‏ از فراغت از تحصیل و بازگشت به تهران خود را متعهد و ملزم دید که قرآن را در متن زندگی مردم به خصوص‏ جوانان و تحصیلکرده‏های دانشگاهی بیاورد.

آیت اللّه طالقانی شاهد مبارزه پدر بزرگوارشان با خفقان‏ دیکتاتوری رضاخان بود.لذا بر آن شد مبارزه با ستمگری‏ و استبداد و استعمار را در آموزش‏های قرآنی خود به عنوان‏ رکن اساسی وارد کند،اما این عمل به آسانی صورت‏ نمی‏گرفت و رژیم وقت و مذهبیان قشری از دو سو،وی‏ را تحت فشار روحی-روانی قرار می‏دادند.ایشان از این‏ دوران چنین یاد می‏کند:«من خود به یاد دارم در حدود سال 1318 الی 1320 که از قم به تهران برگشتم،در جنوب‏ تهران قسمت قنات‏آباد که محل ما بود و مسجد مرحوم پدر من بود،شروع کردم تفسیر قرآن گفتن.از دو طرف کوبیده‏ می‏شدم.از یک طرف مجامع دینی که چه حقی دارد کسی‏ تفسیر قرآن بگوید؟!این قرآن دربست باید خوانده بشود و به قرائتش مردم بپردازند...گاهی هم در مجالس فاتحه اگر یک آدم جانی،خائن،دزد و فاسد که یک عمری فساد کرده، چند آیه‏ای قرآن،بعدش هم این خلد آشیان!جنت مکان! مدتی خدمت به کشور و مملکت کرده،خدا بیامرزدش!و چقدر من خودم فشار تحمل کردم تا بتوانم این راه را باز کنم که قرآن برای تحقیق است،برای تفکر و تدبر است نه‏ برای صرف خواندن و تبرک جستن»1.آیت اللّه طالقانی‏ درباره درد بی‏توجهی به قرآن در زندگی فردی و اجتماعی‏ می‏نویسد:«این کتاب هدایت که چون نیم قرن اول اسلام، باید بر همه شئون نفسانی و اخلاقی و قضاوت و حکومت‏ حاکم باشد،یکسره از زندگی بر کنار شده و در هیچ شانی‏ دخالت ندارد.دنیای اسلام که با رهبری این کتاب روزی‏ پیشرو و رهبر بود،امروز دنباله‏رو شده.کتابی که سند دین‏ و حاکم بر همه امور بوده،مانند آثار عتیقه و کتاب ورد،تنها جنبه تقدس و تبرک یافته و از سر حد زندگی و حیات‏ عمومی برکنار شده و در سر حد عالم اموات و تشریفات‏ آموزش قرار گرفته و آهنگ آن اعلام مرگ است»2.

ایشان هیچ‏گاه دست از تفسیر قرآن نکشید و حتی زمانی‏ که درس تفسیر او را ممنوع کردند مخفیانه آن را ادامه‏ می‏داد.قرآن تنها همدمی بود که جاهلان و مستکبران‏ نتوانستند از مرحوم طالقانی بگیرند.او حتی در زندان و تبعید دست از همنشینی با قرآن نکشید و افتخارش این‏ بود که خود را معلم قرآن معرفی کند.«من پیش از این‏که‏ در کسوت یک سیاستمدار متعارف و معمول باشم،یک‏ شاگرد کوچک مکتب قرآن،معلم قرآنم.»3ایشان قرآن‏ را از تاریکی‏های شب‏های تاریخ بشریت و دوران ظلم و ستم به صحنه زندگی مردم آورد و دل‏های عاشقانش را با نور هدایت بخشش آشنا ساخت.

2-موضوع تفسیر و منابع آن:

شش جلد پرتوی از قرآن شامل موضوعات زیر است:مقدمه در تحولی که‏ قرآن در هر جهت پدید آورد،لزوم هدایت،هدایت قرآن، خلاصه‏ای از حفظ و جمع و ترتیب و تدوین قرآن،روش‏های‏ مفسران محدود شدن هدایت وسیع قرآن،لزوم تمسک به‏ هدایت همه جانبه قرآن،چگونه می‏توان در معرض هدایت‏ قرآن قرار گرفت.روش این کتاب،نظری به بعضی از احادیث‏ راجع به قرآن است‏4.جلد اول:در تفسیر سوره فاتحه‏ الکتاب و تفسیر سوره بقره تا آیه 144.جلد دوم:در تفسیر آیه 145 سوره بقره تا آخر سوره.جلد سوم:در تفسیر سوره‏ آل عمران به‏طور کامل.جلد چهارم:در تفسیر سوره نباتا آخر سوره الطارق از جزء سی‏ام.جلد پنجم:در تفسیر سوره‏ اعلی تا آخر جزء سی‏ام(سوره ناس).جلد ششم در تفسیر 22 آیه اول سوره نساء و مجددا تفسیر 23 آیه اول سوره‏ نساء.از آنجا که غالب بخش‏های پرتوی از قرآن در زندان‏ تالیف شده،کمبود منابع گوناگون اعم از تفسیری یا کتب‏ علمی احساس می‏شود.ایشان نیز این موقعیت را چنین‏ توصیف می‏کند:«خواننده عزیز اگر در مطالب این مقدمه‏ و قسمتی از کتاب اشتباه یا لغزش یافتید تذکر فرمایید و معذور بدارید،زیرا در مدتی نگارش یافته که از همه جا منقطع بوده و به مدارک دسترسی ندارم و مانند زنده‏ای در قبر به سر می‏برم»5.اما اجمالا و کرارا در مجلدات مختلف‏ به این آثار و منابع اشاره و استناد کرده است.اصول کافی‏ کلینی،مجمع البحرین طریحی،امالی سید مرتضی،النهایه‏ شیخ طوسی،مفاتیح الغیب صدر المتالهین شیرازی،تفسیر جواهر جوهری طنطاوی،تفسیر آلوسی،تفسیر مجمع البیان‏ و جمع الجوامع شیخ طبرسی،کشاف زمخشری،تفسیر کبیر فخر رازی،تفسیر نیشابوری و بیضاوی و چندین کتاب‏ علمی جدید.همچنین ایشان از اشعار پرمغز مثنوی معنوی‏ مولوی استفاده و در پاورقی بدان‏ها استناد کرده است و جز در یک مورد در جاهای دیگرگ نام شاعر نیامده،اما خود از سبک اشعار پیداست و از دیگران ابیات بسیار معدودی آن‏ هم اغلب با ذکر نام گوینده نقل شده است.این اشعار را در دوران زندان اوین،از حفظ در ذیل آیات نوشته و مخفیانه به‏ بیرون فرستاده است.

3-روش تفسیر پرتوی از قرآن:آنچه در پرتوی از قرآن مهم است،ذوق و روش و مهارت کم‏نظیر در اظهار نظر و ربط و رجوع دادن به معانی است.ایشان پس از بیان‏ شرط لازم برای قرار دادن خود در معرض هدایت قرآن و توجه به حجاب‏های موجود و سعی در برکنار کردن آن‏ها، اخلاق تفسیر و مفسری خود را چنین بازگو می‏کند:«چه‏ بسا اصطلاحات و دانش‏هایی که برای فهم دین و آیات کتاب‏ حکیم به کار رفته که خود حجابی بر آن شده و تفسیرهایی‏ از قرآن که هنر و معلومات مفسر است تا آن‏جا که مفسر خواسته همه آرا و اندیشه‏های خود را مستند به قرآن سازد... بیش از این حجاب‏ها،حجاب‏های دیگری از بیماری‏های‏ اکتسابی و میراثی و انحراف‏های ذهنی و خوی‏های پست‏ مانند غرور،کبر و سد است که هریک منشا و راه علاجی‏ دارد.این‏گونه حجاب‏هاست که ذایقه فهم هر حقیقتی را فاسد و از لذت درک آن بازمی‏دارد و طنین آیات حق را وا می‏تاباند و مانع نفوذ آن در ضمیر انسانی می‏شود»6.

آیت اللّه طالقانی روش تفسیر خود را چنین بیان‏ می‏کنند:«روشی که برای فارسی زبان‏ها در این کتاب‏ پیش گرفته شده تا شاید بیشتر پرتو آیات قرآن در ذهن‏های دریابندگان جای گیرد و از هدایت آن بهره‏مند شوند،این است:نخست چند آیه به ردیف و شماره‏ آورده شده،پس از آن ترجمه آیات به فارسی تطبیقی‏ آمده چنان‏که از حدود معانی صحیح لغات خارج نباشد. با اعتراف به این حقیقت که هرچه در ترجمه قرآن دقت‏ شود و به هر لغتی درآید نمی‏تواند مانند آیات قرآن معجزه‏ باشد،نه آن اثر دلربایی را دارد و نه آن احترام شرعی و حکمی را.معنای بلند قرآن که چون دریای مواجی است‏ جز در قالب تعبیراتی خودساخته رخ نشان نمی‏دهد و هیچ قالب و ترکیب دیگری چنان‏که باید آن معانی‏ و رموز و اشارات را نمی‏رساند،تا آن‏جا که اگر حرف و کلمه‏ای تغییر یا تبدیل یابد،آهنگ و مقاصد و اشارات و معانی آن دگرگون می‏شود.بنابراین هر ترجمه‏ای از قرآن‏ نارسای به مقصود قرآنی است مگر آن‏که توضیح و تفسیر شود.سپس معانی مترادف و موارد استعمال و ریشه‏ لغات در موارد لزوم بیان شده تا در ذهن خواننده مجال‏ تفکر بیشتری باز شود.آنگاه آنچه از متن آیات مستقیما بر ذهن تابیده بیان می‏شود.گاهی در موارد مقتضی از احادیث صحیحه و نظرهای مفسران استفاده شده،سپس‏ در پیرامون آیات آنچه به فکر نگارنده رسیده و بر ذهنش‏ پرتو افکنده منعکس می‏شود تا شاید خواننده خود هرچه‏ بیشتر به رموز هدایتی قرآن آشنا شود و ایمان تقلیدی به‏ کمال تحقیق رسد و هرچه بیشتر جویندگان در اعمال‏ ژرف آیات فرو روند و در انوار آن غوطه‏ور شوند»7.

نگرش آیت اللّه طالقانی به ریشه لغات بدین جهت است‏ که هریک از لغات قرآن در جای خود باید به کار رود و مترادف آن‏ها نمی‏تواند جانشین شود.کلمات نیز برای‏ رساندن معانی و مفاهیم خاصی در قرآن به کار رفته است‏ و حتی آهنگ و صدای حروف وسط و آخر آیات نیز هدف‏ معینی را دنبال می‏کنند و معانی خاصی را می‏رسانند و همین ترکیب و هماهنگی کلمات با یکدیگر و با معانی و نمایاندن صورت و واقعیت مقصود است که قرآن را مانند وجود و ترکیب موجودات و نمودار شدن در صور گوناگون‏ در آفرینش،معجزه ساخته چنان‏که مانند ترکیب عناصر طبیعی اگر کلمه‏ای را تبدیل به کلمه مترادف آن کنیم‏ یا حرفی را از جای خود برداریم یا فصل و وصل و وقف و حرکت و اوج و حضیض و ایقاع کلمات رعایت نشود،در نظم‏ و هماهنگی و رسانیدن معنا و مقصود اختلال پیش می‏آید. نکته مهم دیگر که در اثر ایشان هست،تنها فهمیدن فنون‏ معمولی برای درک بلاغت وسیع و متنوع قرآن کافی‏ نیست،بلکه با تامل و اندیشه پویا می‏توان سر بلاغت قرآن‏ را آشکار ساخت.ایشان سعی می‏کرد آداب تفسیر را رعایت‏ کند و نظر و رای شخصی خود را اعمال نکند.همچنین‏ ایشان نام پرتوی از قرآن را بدین جهت انتخاب کردند که‏ آنچه درباره آیات و از نظر هدایت قرآن نگارش می‏یابد عنوان تفسیر(پرده‏برداری)ندارد و به حساب مقصود نهایی قرآن نیست.از این‏رو عنوان و نام پرتوی از قرآن‏ را برای این اثر مناسب یافتند.سبک تفسیری پرتوی از قرآن:قرآن نزول حقایق«از عالم اعلای قدرت و ظهور آن‏ در حلیه عباراتی برتر از بلاغت و تاثیر حکیمانه در هدایت، بس شگفت‏انگیز و خیره‏کننده است»8.

قرآن تنها حقیقتی است که با ضمیر انسان سروکار دارد و می‏تواند در میان تاریکی‏های ماده درون انسان را برافروزد و چون شب پر ماه و ستاره آن را فروزان گرداند و آنگاه بامداد روشنی از افق باطن پدید آرد.اما انسان به‏ مقداری خاص و محدود می‏تواند از آن حقیقت بهره‏مند شود،زیرا انسان«به تناسب گرایش‏ها،باورها و دانش‏ها، خواست‏ها و هدفی که دنبال می‏کند از زاویه خاصی به این‏ حقیقت چند پهلو می‏نگرد و مقداری از آن حقیقت مطلوب‏ را دریافت می‏کند»9.اما قرآن برای هدایت آحاد مردم‏ فرستاده شد و هرکس نیز از این حقیقت بهره‏ای می‏برد. «با آن‏که قرآن برای هدایت و بهره همه مردم در هر زمان تا روز قیامت است،پس اعمال حقایق آن نمی‏تواند در ظرف‏ ذهن مردم یک زمان در آید،اگر چنین باشد تمام می‏شود و پشت سر سیر تکاملی می‏ماند و بهره‏ای برای آیندگان‏ نمی‏ماند.این پیشرفت زمان و علم است که می‏تواند اندک‏ اندک از روی بواطن و اسرار قرآن پرده بردارد»10.

از مشخصات بارز این تفسیر اعتنا و توجه به مسائل‏ علمی و در واقع انطابق عادی علمی با بعضی از آیات قرآنی‏ است.برخی از مفسران قرون اخیر تحت تاثیر تمدن و علوم‏ غربی پرورش یافته‏اند،به خصوص فن‏آوری،حقایق ثابت‏ قرآن و آیات جاویدان را به محک علوم متغیر زده پیشرفت‏ آن‏ها را از دلیل بر درستی آیات قرآن می‏گیرند،چنانچه‏ طنطاوی در تفسیر الجواهر11و«سید احمد خان در تفسیر القرآن و هو المهدی و الفرقان»12اشاره کردند. در سایر کشورهای اسلامی،فشار فرهگ غرب،بعضی‏ مفسران را ناگزیر کرد که برای رفع شبهات اهل علم و برای آن‏که ثابت کنند عقب‏ماندگی و رکود اجتماعی‏شان‏ بر اثر محتوای قرآن نیست،چاره‏ای اندیشیدند.

آیت اللّه طالقانی درباره تفسیر سید احمد خان چنین‏ می‏گوید:«مرحوم سید احمد خان دانشمند اسلامی‏ و هندی و بانی دانشگاه علیگره،تفسیری برای بعضی از آیات قرآن نوشته و کوشیده است تا آیاتی را که ظهور در معجزات و خرق عادات دارد،توجیه و تاویل کند.همین‏ روش او در تفسیر موجب شد که مرحوم سید جمال الدین‏ که در قطب مخالف سیاسی او بود در کتاب«ردنیچریه» به او بتازد و اندیشه او را نیچری‏[طبیعت‏گرایانه‏]معرفی‏ کند»13.از دیگر متجددان و مصلحان و مفسران‏ می‏توان به طنطاوی اشاره کرد.وی می‏گفت در قرآن‏ حد اکثر 150 آیه فقهی صریح وجود دارد و این همه کتاب درباره‏اش‏ نوشته‏اند و بحث‏های شرعی و فرعی‏ کرده‏اند.حال آن‏که بیش از 750 آیه‏ علمی در قرآن هست که مفسران‏ قدیم،قهرا مهمل گذاشته‏اند و این‏ غبن تاریخی و این جفایی که بر قرآن رفته باید با نگاشتن تفاسیر هرچه علمی‏تر جبران شود.برخورد نخستین مصلحان و مفسران‏ مسلمان عرب،نظیر شیخ محمد عبده(1266-1323 ق)تا حدودی‏ معتدلانه و همراه با اصلاح فکر دینی و جانبداری از عقل به ویژه‏ برای مبارزه با خرافات و جمودهای‏ عامیانه بود.عبده مهم‏ترین وسیله‏ اصلاح عقیده را در تفسیر قرآن‏ یافت و هرجا که می‏رسید در شناساندن قرآن و تفسیرش اهتمام‏ می‏کرد.محمد عبده علمای اسلام‏ را صدا می‏زند و می‏گوید:«فعلا همه‏ رشته‏های علوم قدیمه را رها کنید و فقط و فقط به تفسیر آگاهانه قرآن‏ و شناساندن قرآن به مردم مشغول‏ شوید»14.از دیگر وجوه شباهت‏ میان این مفسران توجه به مسائل‏ علمی جدید و روی آوردن به تفسیری نوین و مخصوصا عقلی و علمی از قرآن است.اما آیت اللّه طالقانی معتقد بود که فرضیه‏های علمی ناپایدار و متغیر است.این پیشرفت‏ زمان و علم است که می‏تواند اندک‏اندک از روی بواطن‏ و اسرار قرآن پرده بردارد.باری به احتمال زیاد،آیت اللّه‏ طالقانی تحت تاثیر نحوه نگرش و نگارش محمد عبده و طنطاوی جوهری بوده است ولی تمسکش به ماثورات و اعتنایش به قدمای مفسران بسیار جدی‏تر از عبده بوده‏ است.

ایشان در آخرین تحلیل خود،به خوبی حدود حصر علم‏ و دین را بیان می‏کند:«مگرنه این است که اندیشه آدمی‏ هرقدر توسعه یابد از حد و زمان و مکان و ماده نمی‏تواند جلوتر رود،مگر هر فاقد حسی گرچه حواس دیگرش قوی‏ باشد می‏تواند محسوسات و معلومات آن حس نایافته را دریابد؟مگر جنین در رحم می‏تواند ظواهر این جهان را چنان‏که هست تصور کند؟انسانی که در رحم طبیعت و زمان و مکان به سر می‏برد با این حواس و ادراکات محدود هرقدر هم نظر و فکرش پیش رود و وسعت یابد از این‏ حدود بیرون نمی‏رود،بلکه نتیجه علم و اندیشه صحیح‏ اعتراف به جهل و تحیر است و اگر کسی تصور کند که‏ آنچه به وسیله ذهن و حواس محدود درمی‏یابد همان‏ حقایق عالم و واقعیات خارج از ذهن و حواس است هرچند عالم‏نما باشد جاهل و هرچه خود را چاره‏تجو بداند بیچاره‏ است»15.آیت اللّه طالقانی در تفسیر برخی از آیات،در متن پاورقی به بعضی از فرضیه‏های علمی اشاراتی دارد و سعی کرده اندیشه خواننده با به روی حقایقی از طبیعت‏ باز کند و برای روشن کردن حقایق قرآنی هربار از زاویه‏ای‏ بدان‏ها می‏نگرد و نور ایمان را بر آن پرتو می‏افکند،گاه از زاویه فلسفه و کلام و گاه از عرفان و اشراق و یا علوم تجربی، انسانی،ریاضی و گاه از احادیث اهل بیت(ع)و گاه از منظر ادب و شعر بدان‏ها می‏نگرد.آنچه فراتر از علم و استناد می‏تواند برای خوانندگان دلنشین باشد لحن عرفانی و دردمندانه‏ای است که روح را سرشار از معنویت می‏کند و توشه‏ای زندگی بخش‏تر به مشتاقان و عاشقان قرآن عرضه‏ می‏کند و ثمره چهل سال تلاش و رآن‏پژوهی چیزی نبود جز روشنگری قرآنی و این موهبت را از مکتبخانه قرآن‏ می‏آموزد و از این موهبت بهره‏ای وافر داشت و کرامات‏ والای انسانی چیزی جز عطای الهی و برکت قرآنی نبود و این مصرع از حافظ حق مطلب را ادا می‏کند:«هرچه کردم‏ همه از دولت قرآن کردم»

منابع در دفتر مجله موجود است

سید محمود علایی طالقانی در 15 اسفند 1290 شمسی در روستای گلیرد طالقان به دنیا آمد.وی‏ در ابتدا در طالقان و سپس در قم به تحصیل علم‏ پرداخت و پس از فوت پدر در سال 1350 قمری به‏ نجف عازم شد و از آیت اللّه حائری جازهء اجتهاد و از آقای مرعشی اجازه حدیث گرفت.برخی از حوادث‏ زندگی او را می‏توان چنین مرتب کرد.

1344-زندانی شدن در ارتباط با فدائیان اسلام.

1349-طی یک سخنرانی در میدان ارک به زندان‏ افتاد.

1349-زندانی شدن به دلیل تاسیس نهضت آزادی به اتفاق مهندس بازرگان‏ و دکتر سحابی.

1342-دستگیری مجدد و محکوم شدن به 10 سال زندان و تحمل حبس تا سال 1346.

1348-زندانی شدن مجدد.

1350-تبعید به زابل و بافت به مدت یک سال و نیم.

1354-در نتیجه ارتباط با نیروهای مبارز به 10 سال زندان محکوم شد و آزادی در تاریخ 8/8/1357.

57/9/14-شرکت در راهپیمایی در روز تاسوعا در پیشاپیش صفوف و اقامهء نماز جماعت در میدان آزادی.19/6/58 مرگ

آثار:

1.مهدویت و آینده بشر؛2.طرح نظام جمهوری اسلامی؛3.درس‏هایی‏ از قرآن؛4.شهادت و عاشورا؛5.حج؛6.چند مقاله؛7.جهاد و شهادت؛8. توحید از نظر اسلام؛9.ترجمه و شرح نهج البلاغه؛10.تبیین رسالت برای‏ قیام به قسط؛11.پرتوی از قرآن؛12.به سوی خدا برویم؛13.گفتارها در زمینه‏ دین؛14.اسلام و مالکیت در مقایسه با نظام‏های اقتصادی غرب؛15.از آزادی‏ تا شهادت